



نام درس: دناى ادیب نام دبیر: غزاله صادق زاده

مبحث: بوستان (حکایت ۱۰)

پایه: چهارم - پنجم - ششم

مقطع: دبستان





حکایت ۱۰

یکی گفت با صوفی ای در صفا
بگفتا خموش، ای برادر، به خُفت
کسانی که پیغام دشمن برند
کسی قول دشمن نیارد به دوست
نیارست دشمن جفا گفتم

ندانی فلانت چه گفت از قفا
ندانسته بهتر که دشمن چه گفت
ز دشمن همانا که دشمن ترند
جز آن کس که در دشمنی یار اوست
چنان کن شنیدن بلرز دتم





ادامه

تو دشمن تری کاوری بر دهان
سخن چین کند تازه جنگ قدیم
از آن همنشین تا توانی گرین
سیه چال و مرد اندر او بسته پای
میان دو تن جنگ چون آتش است

که دشمن چنین گفت اندر نهان
به خشم آورد نیکمرد سلیم
که مرفتنه ی خفته را گفت: خیز
به از فتنه از جای بردن به جای
سخن چین بدبخت هیزم کش است

باب هفتم: در عالم تربیت





شرح واژگان و دشواری ها

از قفا: پشت سر
همانا: به راستی - یقیناً
نیارست: نمی تواند - جرأت ندارد
اندر نهان: پنهانی
خیز: بیدار شو

در صفا: از روی اخلاص و صداقت
به خفت: هنگام خواب
نیارد: نیاورد
سليم: ساده دل
فتنه ی خفته: بلایی که هنوز اتفاق نیفتاده

صوفی: درویش - عارف
خמוש: ساکت باش
قول: سخن
کآوری بر دهان: که بر زبان می آوری
گریز: فرار کن
دو تن: دو نفر



درک مطلب

۱- واکنش صوفی در برابر سخن چین چگونه بود؟

۲- چرا باید از هم نشین سخن چین دوری کرد؟





مجمع آموزشی هوشمند خدیجه کبری (س)

www.kksec.org

<https://instagram.com/khadijekobra1368>